



بررسی ارتباط ضعف‌های با اهمیت کنترل داخلی و شواهدی از دستکاری عملکرد واقعی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

دکتر علی بیات^۱

استادیار گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان

جهانگیر جدیری نقاش کار^۲

دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان

(تاریخ دریافت: ۱۳ خرداد ۱۳۹۷؛ تاریخ پذیرش: ۲۳ آبان ۱۳۹۷)

کنترل‌های داخلی ضعیف، نه تنها احتمال وقوع سوء جریان، سوء استفاده و تقلب را در سازمانها بالا می‌برد بلکه بر گزارش حسابرس مستقل نیز اثر می‌گذارد و حسابرس قادر نخواهد بود در نبود توجه به نقاط ضعف موجود در سیستم کنترل‌های داخلی، گزارش مطلوبی ارائه نماید. از این رو برای اینکه هم مدیران بتوانند وظایف و مسئولیتهای خود را به نحو احسن و در جهت جلب رضایت اشخاص ذینفع در شرکت به انجام برسانند و هم حسابرسان بتوانند گزارش حسابرسی مطلوب مطابق با استانداردهای حسابرسی ارائه نمایند، سیستم‌های کنترل داخلی با توجه به ماهیت شرکت باید طرح‌ریزی و اجرا شود تا حسابرسان نیز بتوانند با اتکا بر آن وظیفه اطمینان بخشی به صورتهای مالی را با اطمینان بیشتری انجام دهند. این تحقیق به بررسی ارتباط ضعف‌های با اهمیت کنترل داخلی و شواهدی از دستکاری عملکرد واقعی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌پردازد و شامل یک فرضیه اصلی می‌باشد که از آزمون رگرسیون خطی چند متغیره به صورت ترکیبی (سال- شرکت)، استفاده شده است. با استفاده از داده‌های جمع‌آوری شده از نمونه آماری تحقیق که شامل ۷۵ شرکت فعال در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره‌های زمانی ۱۳۹۴-۱۳۸۹ می‌باشد، فرضیه تحقیق مورد آزمون قرار گرفت. بر اساس آزمون صورت گرفته نتایج نشان‌دهنده ارتباط معنی دار ضعف‌های با اهمیت کنترل داخلی با دستکاری عملکرد واقعی می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: دستکاری عملکرد واقعی، ضعف‌های با اهمیت کنترل داخلی و حسابرسی.

¹ ali.bayat22@yahoo.com

² jjodeiri@gmail.com

مقدمه

یکی از اهداف مهم گزارشگری مالی، ارائه اطلاعات مفید برای تصمیم‌گیری است. استفاده‌کنندگان اطلاعات حسابداری براساس اطلاعات گزارش شده در صورت‌های مالی به ارزیابی سودآوری و پیش‌بینی جریان‌های نقدی آتی شرکت پرداخته و سپس با برقرار کردن ارتباط منطقی بین سودآوری و جریان‌های نقدی آتی، ارزش شرکت را ارزیابی و بر اساس این پیش‌بینی‌ها تصمیم می‌گیرند. بنابراین می‌توان گفت در صورت دستکاری صورتهای مالی، به هدف و فلسفه وجودی صورتهای مالی خدشه وارد می‌شود. به علاوه وجود بستریایی چون تضاد منافع و عدم تقارن اطلاعات بین مالکیت و مدیریت از یک طرف و بروز رسوایی‌های مالی از طرف دیگر، بر اهمیت مدیریت سود افزوده اند [3]. در این خصوص با توجه به اینکه صورتهای مالی اطلاعات مالی مربوط و با ارزشی را برای گروه‌های برون سازمانی فراهم می‌کند، اتکای شدید بر اعداد حسابداری و به ویژه سود، انگیزه‌های قدرتمندی را برای مدیران ایجاد می‌کند تا سود را به نفع خودشان دستکاری کنند [2]. نخستین هدف سیستم کنترل داخلی سازمان، ارائه اطمینان معقول به مدیریت اجرایی است که هدفهای مشخص شده، برای عملیات و برنامه‌ها دست‌یافتنی‌اند. برای دستیابی به اکثر اهداف مهم، بکارگیری کنترل‌های داخلی گریز ناپذیر است. به همین جهت، تقاضا برای سیستم بهتر و برتر کنترل داخلی و گزارش عملکرد آن‌ها دائما رو به افزایش است. با دقت نظر بیشتر، می‌توان دریافت که کنترل داخلی ابزاری مفید برای حل بسیاری از مشکلات بالقوه است. بعد از رسوایی‌های مالی در دنیا، تصویب قانون ساربینز-اکسلی توجه مدیریت را بیش از پیش به کنترل‌های داخلی جلب کرد. با تصویب قانون ساربینز-اکسلی الزامات متعددی برای شرکت‌های سهامی‌عام وضع گردید که به لحاظ تنوع الزامات و دامنه تاثیرگذاری‌اش، قانون معتبر و نافذی محسوب می‌شود. تحقیقات بسیار به بررسی عوامل تعیین‌کننده و آثار و نتایج نقاط ضعف با اهمیت کنترل داخلی پرداخته‌اند. تحقیقات اولیه ارتباطی بین این نقاط ضعف و ویژگی‌های شرکت همچون پیچیدگی شرکت، تغییرات سازمانی، اندازه شرکت، سودآوری شرکت و سرمایه‌گذاری منابع روی کنترل‌های داخلی نشان داده‌اند.

بیان مسئله

بررسی ادبیات مرتبط با مدیریت سود، بیانگر تلاش محققین در فهم این مطلب است که چرا مدیران به دنبال دستکاری سود هستند، چگونه سود را مدیریت می‌کنند و تبعات این گونه رفتار چه است. پاسخ به این سوالات، بخش عظیمی از تحقیقات تجربی را در حوزه حسابداری و گزارشگری مالی به خود اختصاص داده است. حسابداری تعهدی حق انتخاب قابل توجهی به مدیران در تعیین سود در دوره‌های زمانی متفاوت اعطا می‌کند. در واقع تحت این نوع از سیستم حسابداری، مدیران کنترل چشمگیری بر زمان تشخیص برخی اقلام هزینه از جمله هزینه‌های تبلیغات و مخارج تحقیق و توسعه دارند. از سوی دیگر مدیران در سیستم حسابداری تعهدی، با گزینه‌های متفاوتی در مورد زمان تشخیص درآمدها نیز روبرو هستند، از جمله تشخیص سریعتر درآمد از طریق انجام فروش‌های نسیه. این گونه عملکرد از سوی مدیران در عبارتی ساده به عنوان "مدیریت سود" یاد می‌شود. دی جرج و همکاران، مدیریت سود را به عنوان نوعی دستکاری مصنوعی سود توسط مدیریت جهت حصول به سطح مورد انتظار سود برای بعضی تصمیمات خاص (از جمله پیش‌بینی تحلیل‌گران و یا برآورد روند سودهای قبلی برای پیش‌بینی سودهای آتی) تعریف می‌کنند. به نظر ایشان، در واقع انگیزه اصلی مدیریت سود، مدیریت تصور

سرمایه‌گذاران در مورد واحد تجاری است. توجه بیش از حد سرمایه‌گذاران به سود خالص، به مدیریت این انگیزه را داده است تا به منظور حفظ رشد پایدار سود، در به کارگیری استانداردهای حسابداری به صورت متهورانه ای عمل کنند [8]. انگیزه مدیریت برای دستکاری سود از آنجا ناشی می‌شود که سرمایه‌گذاران و تحلیل‌گران خارج از شرکت در موقع شکل‌گیری انتظاراتشان از سودهای آتی نوعاً بر سودهای دوره جاری تکیه کرده و تنوع تعهدات قراردادی در اکثر موارد به سودهای گزارش شده در دوره جاری وابسته است. همانطور که مدیران در خصوص عملکرد جاری نگران هستند، از قبیل قیمت سهام، آنها برای متورم نشان دادن سودهای جاری از طریق قرض گرفتن سودهای آتی برای استفاده در دوره جاری دارای انگیزه هستند [9]. سودهای گزارش شده دوره جاری از دو طریق می‌تواند مدیریت شود. اول، مدیران می‌توانند سودهای گزارش شده را از طریق عدم اطمینان انتخاب‌های تعهدی که تحت اصول پذیرفته شده حسابداری مجاز می‌باشند، دستکاری کنند. این اتفاق نوعاً در پایان دوره حسابداری بعد از اینکه عمده فعالیت‌های واقعی به اتمام رسید روی می‌دهد. مدیریت سود بر مبنای اقلام تعهدی (AEM) هیچ تاثیر مستقیمی روی جریان نقدی ندارد. دوم مدیران همچنین می‌توانند سودهای گزارش شده را با دستکاری فعالیت‌های واقعی مدیریت کنند. مخصوصاً آنها می‌توانند زمانبندی و مقیاس فعالیت‌های واقعی را از قبیل تولید، فروش سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های تامین مالی بدون در نظر گرفتن دوره حسابداری در رویه ای که هدف خاصی از سود را می‌توان متصور بود، به انجام رسانند. برای مثال سودهای گزارش شده می‌تواند بطور موقت با تغییر زمانبندی برنامه تولید و فروش از طریق قطع هزینه‌های نامطمئن و یا تغییر زمان وقوع انجام شود که از آن به مدیریت سود فعالیت‌های واقعی (REM) تعبیر می‌شود. مخارج اختیاری مانند تحقیق و توسعه، تبلیغات و مخارج نگهداری، معمولاً در دوره ی وقوع به هزینه منظور می‌شوند. از این رو، شرکت‌ها می‌توانند با استفاده از کاهش مخارج اختیاری، هزینه‌های گزارش شده را کاهش و سود را افزایش دهند. این عمل، به ویژه زمانی که مدیران صرف دستکاری فعالیت‌های واقعی می‌کنند اغلب همان وقت و هزینه‌ای است که می‌تواند صرف فعالیت‌های مولد شود. از این رو، دستکاری فعالیت‌های واقعی به طور همزمان هم می‌تواند منجر به کاهش عملکرد گردد و هم تعهدات مالی بیشتری را بر شرکت تحمیل نماید [7]. اطلاعاتی که از طریق گزارشگری مالی فراهم می‌شود هنگامی رافع نیازهای استفاده‌کنندگان خواهد بود که از ویژگی‌های کیفی مشخصی برخوردار باشند. اهم ویژگی‌های کیفی اطلاعات مالی شامل مربوط بودن، قابل اتکا بودن، قابل مقایسه بودن و قابل فهم بودن است. تحقق این ویژگیها در مجموع، دستیابی به اطلاعات سودمند و حصول اطمینان از رعایت الزامات مقرر برای نیل به هدفهای تدوین شده، مستلزم فراهم کردن ترتیبات، سیاستها و سازوکارهایی توسط مدیران سازمانها و شرکت‌هاست. اشخاص ذیحق و ذینفع در شرکت‌ها به عنوان استفاده‌کنندگان از اطلاعات مالی، همواره مایلند از کم و کیف سیاستها، رویه‌ها و ترتیباتی که مدیریت در جهت حفاظت از دارایی‌ها و منافع سازمان در مقابل سوء استفاده، سرقت، قابلیت اعتماد داده‌ها و تشویق کارکنان به رعایت مقررات و الزامات مصوب اتخاذ کرده است، آگاه شوند [1]. در این خصوص کنترل‌های داخلی بخش مهمی از اداره یک سازمان است که شامل طرح‌ها، شیوه‌ها و روشهای اجرا شدنی برای دستیابی به وظیفه‌ها، هدفها و مقاصد و به عبارت دیگر پشتیبانی از مدیریت بر مبنای عملکرد است و نیز به عنوان اولین خط دفاعی در حفاظت از دارایی‌ها، پیشگیری، کشف خطاها و تقلب به کار می‌رود [5]. بطور کلی اشخاص ذیحق و ذینفع در سازمانها و شرکت‌ها به دنبال

پاسخ به پرسشهای کلیدی زیر هستند. آیا مدیریت به استقرار یک سیستم کنترل داخلی مطلوب و اثربخش توجه داشته است؟ سیستم کنترل داخلی شرکت تا چه حد از بروز سوء جریانها، تقلبات و اشتباهات با اهمیت جلوگیری می‌کند؟ این پژوهش به دنبال شناسایی و تبیین ارتباط بین ضعفهای با اهمیت کنترل داخلی و شواهدی از دستکاری عملکرد واقعی با استفاده از اطلاعات موجود در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد.

پیشینه تحقیق

توماس و زانگ^۱ (۲۰۰۲) شواهدی پیرامون دستکاری فعالیت‌های واقعی از طریق اضافه تولید ارائه می‌دهند. به عبارت دیگر، مدیران بیش از مقدار لازم برای فروش و سطح عادی موجودی کالا، تولید می‌کنند و از این طریق بهای تمام شده ی کالای فروش رفته گزارش شده را کاهش داده و در نتیجه سود گزارش شده افزایش می‌یابد. اگرچه این راه کار حاشیه ی سودآوری را بهبود می‌بخشد، اما شرکت متحمل هزینه‌هایی می‌گردد و سطح عادی جریان‌های نقدی عملیاتی شرکت را کاهش می‌دهد [12]. گانی (۲۰۰۵) به بررسی نتایج مدیریت واقعی سود با استفاده از چهار ابزار کاهش مخارج تحقیق و توسعه، کاهش هزینه‌های اداری، عمومی و فروش، افزایش سود غیرعملیاتی حاصل از فروش دارایی‌های بلندمدت و تولید بیش از حد پرداخت. اوشرکت‌های فعال بورس نیویورک را طی سالهای 1988 تا 2000 بررسی کرد و دو نتیجه زیر را بدست آورد:

۱. مدیریت واقعی سود منجر به گزارش سودها و جریانهای نقد عملیاتی کمتری می‌شود.
 ۲. سرمایه‌گذاران نتایج مدیریت واقعی سود را شناسایی می‌کنند. به عبارت دیگر، چنانچه شرکتی در سال جاری از مدیریت واقعی سود استفاده نماید، بازده سال آتی پایینتری خواهد داشت.
- نتایج تحقیق بوجارج و لیبی^۲ (۲۰۰۵) حاکی از آن است که مدیران اغلب پروژه‌هایی را انتخاب می‌کنند که باورشان بر این است سود کوتاه مدت (و قیمت) را به حداکثر خواهد رساند. اگرچه مطالعات کمی حاکی از آن است که مدیران عملکرد بلندمدت را قربانی انگیزه‌های مربوط به سود کوتاه مدت می‌کنند، تحقیقات تجربی کمی وجود دارد که این مسأله را به طور مستقیم مورد آزمون قرار داده باشند [6]. رویکوزوری (۲۰۰۶) در تحقیق خود نشان داد که شرکت‌ها جهت جلوگیری از گزارش زیان سالیانه، قیمت محصولات را به منظور افزایش مبلغ فروش به صورت موقت کاهش، مقادیر تولید را به منظور کاهش بهای تمام شده کالای فروش رفته افزایش و مخارج اختیاری را به منظور بهبود بخشیدن به حاشیه سود کاهش می‌دهند. نتایج تحقیق روی چادوری^۳ (۲۰۰۶) حاکی از آن است که مدیران تخفیفات قیمتی ارائه می‌دهند تا از این طریق میزان فروش را ارتقا بخشند. مدیران زمینه ی تخفیفات فروش را نزدیک به پایان سال مالی فراهم می‌آورند تا میزان فروش را افزایش دهند. حجم فروش افزایش یافته ی تولید شده در موقعی که شرکت بار دیگر قیمت‌های قدیمی را وضع می‌کند احتمالاً از بین می‌روند. در واقع، این عمل سودآوری آتی را به دوره ی جاری منتقل می‌سازد. در نتیجه، سودآوری آتی ممکن است به واسطه ی مدیریت فروش مورد آسیب واقع گردد [11]. اگنوا و دیگران (۲۰۰۷)

¹ Thomas, J. K., and H. Zhang. 2002

² Bhojraj, Sanjeev, and R. Libby. (2005)

³ Roychowdhury, S. (2006)

پژوهشی را تحت عنوان ضعف در کنترل‌های داخلی و هزینه سرمایه ای براساس شواهدی از بخش ۴۰۴ قانون ساربینز آکسای به امجام رساندند. یافته‌های پژوهش نشان داد که بین ضعف در کنترل‌های داخلی و هزینه سرمایه شرکت‌ها ارتباط مستقیم وجود دارد به گونه ای که هرچه کنترل‌های داخلی ضعیفتر باشد، هزینه سرمایه حقوق صاحبان سهام بالاتر است. به عبارت دیگر سرمایه گذاران و اعتبارنهندگان نسبت به شرکت‌های با کنترل‌های داخلی ضعیف نظر مساعدی نداشته و احساس می‌نمایند که ریسک سرمایه گذاری در چنین شرکت‌هایی بالاتر است. هم‌رسل، میرز و شکسپیر (۲۰۰۸)، در تحقیقی با عنوان واکنش بازار به افشای نقاط ضعف کنترل داخلی و ویژگی آن نقاط ضعف بر بخش ۳۰۲ قانون ساربینز آکسلی، به این نتیجه رسیدند که محتوای اطلاعات ضعف‌های کنترل‌های داخلی، به شدت این ضعف‌ها بستگی دارد و نقاط ضعف کنترل داخلی به قیمت سهام واکنش منفی نشان می‌دهد. در تحقیقی که یازوا (۲۰۱۰) انجام داد به بررسی عوامل موثر بر نقاط ضعف با اهمیت در کنترل‌های داخلی، ارتباط بین نقاط ضعف مواد و کیفیت و واکنش بازار سهام به افشای نقاط ضعف با اهمیت را بررسی نمود. وی دریافت که شرکت‌های دارای ضعف‌های کنترل داخلی شرکت‌هایی هستند کوچک، پیچیده تر، از نظر مالی ضعیفتر و دارای کاهش رشد و همچنین اظهار داشت که نقاط ضعف کنترل داخلی تأثیری بر قیمت سهام ندارند و از سوی دیگر دریافت که شرکت‌ها ممکن است نقاط ضعف عمده را شناسایی نکنند. تحقیقی که هویتاش، هویتاش و جانستون نقاط ضعف کنترل‌های داخلی و پاداش مدیر ارشد امور مالی^{۱۱} در سال ۲۰۱۱ انجام دادند نیز نشان داد که معیارهای غیر مالی مانند نقاط ضعف کنترل داخلی در تعیین پاداش مدیران تأثیر گذار هستند. تحقیق او بر ارتباط بین پاداش و نقاط ضعف کنترل داخلی تأکید دارد. فرضیه اول تحقیق آن‌ها به بررسی رابطه بین نقاط ضعف با اهمیت کنترل داخلی و تغییرات در پاداش مدیران در شرکت‌ها یی با تجربه قوی مدیریتی پرداخته است. آن‌ها با استناد به قانون ساربینز - آکسلی و این که کنترل‌های داخلی تحت مسئولیت مستقیم مدیران است ثابت کردند افشای نقاط ضعف کنترل داخلی نشان دهنده ضعف در عملکرد مدیر است و شرکت‌ها یی با تجربه قوی مدیریتی بعد از افشای نقاط ضعف شاهد کاهش بیشتر در پاداش هستند نسبت به شرکت‌هایی که از لحاظ تجربه مدیریتی ضعیفتر هستند.

بالسام، جیانگ و لیو (۲۰۱۲) تحقیقی با عنوان مشوق‌های حقوق صاحبان سهام و ضعف‌های کنترل داخلی^{۱۲} انجام دادند آن‌ها بررسی کردند چگونه اثر انگیزه‌های مالی برای مالکیت سهام، مدیران را به حفظ کنترل داخلی قوی در شرکت ترقیب می‌کند. نتایج بدست آمده از این تحقیق مبنی بر این است که بیشتر ضعف‌های کنترل داخلی در سطح شرکت با انگیزه‌های فراهم شده توسط صاحبان سهام به شدت محدود شده اما این ضعف‌ها در ارتباط بیشتر است با انگیزه‌های مدیران. لنارد و همکاران (۲۰۱۶) با استفاده از اطلاعات شرکت‌ها در طول سالهای ۲۰۰۴ الی ۲۰۱۰ دریافتند که ارتباط مثبتی بین شرکت‌های گزارش کننده ضعف‌های کنترل داخلی و دستکاری فعالیت‌های واقعی وجود دارد. به علاوه چنین شرکت‌هایی که فعالیت‌های واقعی را دستکاری می‌کنند، عملکرد پایین‌تری در سالهای بعد دارند. نتایج آنها همچنین نشان می‌دهد، زمانی که شرکت‌ها ضعف‌های کنترل داخلی را گزارش می‌کنند، اقلام تعهدی اختیاری را به عنوان یک روش جایگزین برای دستکاری فعالیت‌های واقعی مورد استفاده قرار نمی‌دهند. روی هم رفته، نتایج حاصل نشان می‌دهد که شرکت‌های دارای ضعف‌های کنترل داخلی،

مستعد به دستکاری فعالیت‌های واقعی به عنوان شکلی از مدیریت سود هستند. نتایج همچنین دربردارنده نکاتی برای کیفیت حسابداری از جمله نیاز حسابرسان به کسب درک بهتر چگونگی تاثیر دستکاری فعالیت‌های واقعی بر عملکرد شرکت می‌باشد [10].

جهانگشای رضایی (۱۳۷۵) تحقیقی تحت عنوان بررسی تحلیلی میزان اتکای حسابرسان مستقل بر کنترل‌های داخلی شرکت‌های مورد رسیدگی انجام داد. او در پژوهش خود به دنبال بررسی این موضوع بود که آیا حسابرسان مستقل در رسیدگی‌های خود به کنترل‌های داخلی شرکت مورد رسیدگی اتکا می‌نمایند و این اتکا موجب کاهش آزمون‌های محتوا می‌گردد؟ نتایج حاصل بیانگر تائید فرضیه‌ها می‌باشد. دارابی (۱۳۸۴) تحقیقی با عنوان تحلیل تاثیر تقویت کنترل‌های داخلی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بر گزارش‌های حسابداری سازمان حسابداری انجام داد. نتایج تحقیق حاکی از این بود که بین کنترل‌های داخلی ضعیف در بخش دارایی، بدهی، حقوق صاحبان سهام، درآمد، هزینه و افزایش در بندهای گزارش حسابداری ارتباط مستقیم وجود دارد. کردستانی و مجدی (۱۳۸۶) رابطه بین ویژگی‌های کیفی سود و هزینه سرمایه سهام عادی را بررسی کرده و نتیجه گرفتند که بین چهار ویژگی اثرگذاری پایداری سود، قابلیت پیش بینی سود، مربوط بودن سود به ارزش سهام و محافظه کارانه بودن سود با هزینه سرمایه سهام عادی رابطه معناداری وجود دارد. رسائیان و حسینی (۱۳۸۷) رابطه بین کیفیت اقلام تعهدی و هزینه سرمایه و بدهی را بررسی نموده و نشان دادند که هزینه سرمایه شرکت‌ها تحت تاثیر کیفیت اقلام تعهدی و اجزای آن قرار نمی‌گیرد. ایزدی نیا و نظرزاده (۱۳۸۸) به بررسی وجود رابطه بین کیفیت سود متغیر مستقل و بازده سهام در سه سطح کیفیت سود زیاد، متوسط و کم با بازده سهام مورد پرداخته‌اند. نتایج تحقیق آنها نشان می‌دهد که بین بازده سهام و کیفیت سود در سطوح مختلف زیاد، متوسط و کم رابطه وجود دارد و نتیجه گیری می‌کنند که سرمایه‌گذاران به کیفیت سود توجه دارند و تغییرات قیمت سهام و به تبع آن بازده سهام تحت تاثیر معیار کیفیت سود قرار می‌گیرد و ارتباط خطی قابل تایید است.

روش پژوهش

۱. این پژوهش از جهت هدف، از نوع کاربردی است. این نوع تحقیق‌ها از آن جهت که می‌تواند مورد استفاده سازمان بورس اوراق بهادار، تحلیل‌گران مالی و کارگزاران بورس، مدیران مالی شرکت‌ها، دانشگاهها و مراکز آموزش عالی و پژوهشگران، سازمان حسابداری قرار گیرد، کاربردی است.
۲. از جهت روش استنتاج، این تحقیق از نوع توصیفی - تحلیلی می‌باشد. تحقیق توصیفی آنچه را که هست بدون دخل و تصرف توصیف و تفسیر می‌کند. این نوع از تحقیق شامل جمع‌آوری اطلاعات به منظور آزمون فرضیه یا پاسخ به سوالات مربوط به وضعیت فعلی موضوع مورد مطالعه می‌باشد.
۳. از جهت نوع طرح تحقیق، تحقیق حاضر از نوع تحقیقات پس رویدادی است. در این نوع تحقیق‌ها، هدف بررسی روابط موجود بین متغیرها است و داده‌ها از محیطی که به گونه‌ای طبیعی وجود

داشته‌اند و یا از وقایع گذشته که بدون دخالت مستقیم پژوهش‌گر رخ داده است، جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل می‌شود.

قلمرو پژوهش

قلمرو موضوعی: بررسی ارتباط ضعف‌های با اهمیت کنترل داخلی و شواهدی از دستکاری عملکرد واقعی قلمرو مکانی: شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران
قلمرو زمانی: قلمرو زمانی این پژوهش از سال ۱۳۸۹ الی ۱۳۹۴ می‌باشد.

ابزار گردآوری داده‌ها

یکی از مهمترین مراحل مربوط به جمع‌آوری اطلاعات برای انجام دادن هرگونه تحقیق علمی، استفاده از کتابخانه است. هنگام تحقیق استفاده از کتابخانه پندی می‌دهد که اشتباهات تکرار نگردند. اطلاعات و داده‌های مورد نیاز این تحقیق مشتمل بر چند دسته اند. اطلاعات مربوط به پیشینه تحقیقات صورت پذیرفته در این زمینه و همچنین زمینه‌های مشابه از طریق مراجعه به کتابخانه‌ها و پایگاه‌های اطلاعاتی داخلی و خارجی گردآوری شده است. قسمت اعظم اطلاعات به صورت کتابخانه ای و از مقاله‌ها و پایان نامه‌های داخلی و خارجی به دست می‌آید و داده‌های مربوط به متغیرهای تحقیق نیز از طریق سایت سازمان بورس، نرم افزار ره آورد نوین و مراجعه به سایت کدال گردآوری خواهد شد. پس از جمع‌آوری داده‌ها و مرتب کردن آن‌ها در نرم افزار اکسل، با استفاده از نرم افزار SPSS آزمون‌های مختلف آماری انجام گردیده و سپس تحلیل‌های جامع مربوط به آن‌ها ارائه می‌گردد.

در این پژوهش، ضعف‌های کنترل داخلی متغیر مستقل، قیمت هر سهم منتشر شده در بازار، ارزش بازار حقوق صاحبان سهام، بازده دارایی‌ها، اندازه و اهرم مالی شرکت متغیرهای کنترل هستند و دستکاری عملکرد واقعی نیز به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است.

مدل سود بر مبنای فعالیت‌های واقعی

مطابق تحقیقات روی چادوری و همکاران (۲۰۰۶)، کوهن و همکاران (۲۰۰۸) و کوهن و زاروین (۲۰۱۰) با استفاده از مدل‌های زیر و از طریق جمع جبری مقادیر باقیمانده هرکدام از مدل‌ها، شاخص مدیریت سود بر مبنای فعالیت‌های واقعی محاسبه و حاصل می‌شود:

۱. مدل اول مربوط به نسبت جریان وجه نقد عملیاتی به مجموع دارایی‌ها

۲. مدل دوم مربوط به نسبت بهای تمام شده کالای فروش رفته به مجموع دارایی‌ها

۳. مدل سوم مربوط به نسبت تغییرات موجودیهای مواد و کالا به مجموع دارایی‌ها

۴. مدل چهارم مربوط به مجموع ارقام تعهدی اختیاری به مجموع دارایی‌ها

۵. مدل پنجم مربوط به مجموع ارقام تعهدی به مجموع دارایی‌ها

$$1. CFO_{it}/Assets_{it} = \beta_1 \Delta Sales_{it} / Assets_{it} + \beta_2 \Delta Sales_{it} / Assets_{it} + \beta_3 \Delta Sales_{it} / Assets_{it} + \epsilon_{it}$$

$$2. COGS_{it} / Assets_{it} = \beta_1 \Delta Sales_{it} / Assets_{it} + \beta_2 \Delta Sales_{it} / Assets_{it} + \epsilon_{it}$$

$$3. \Delta Inventory_{it} / Assets_{it} = \beta_1 \Delta Sales_{it} / Assets_{it} + \beta_2 \Delta Sales_{it} / Assets_{it} + \epsilon_{it}$$

$$\beta_3 \Delta Sales_{it} / Assets_{it} + \epsilon_{it}$$

4. $DISX_{it}/Assets_{i,t-1} = \beta_1 Assets_{i,t-1} + \beta_2 \Delta Sales_{it}/Assets_{i,t-1} + \beta_3 Sales_{it}/Assets_{i,t-1} + \epsilon_{it}$
5. $TA_{it}/Assets_{i,t-1} = \beta_1 Assets_{i,t-1} + \beta_2 \Delta Sales_{it}/Assets_{i,t-1} + \beta_3 PPE_{it}/Assets_{i,t-1} + \epsilon_{it}$

مدل آزمون فرضیه‌های تحقیق

$$RM_{it} = \alpha_0 + \beta_1 MarketCap_{it} + \beta_2 MktBkit_{it} + \beta_3 ROA_{it} + \beta_4 ICW_{it} + \beta_5 Size_{it} + \beta_6 LEV_{it} + \epsilon_{it}$$

معرفی متغیرهای تحقیق

CFO_{jt} : جریان وجه نقد عملیاتی

$A_{j,t-1}$: مجموع دارایی‌ها

$Sales_{jt}$: خالص فروش ریالی

$\Delta Sales_{jt}$: تغییرات در خالص فروش ریالی

$Prod_{jt}$: بهای تمام شده کالای فروش رفته

$DiscE_{jt}$: اقلام تعهدی اختیاری محاسبه شده از طریق مجموع هزینه‌های تبلیغات، تحقیق و توسعه،

فروش، اداری و عمومی

ICW: شاخص نشاندهنده ضعف کنترل داخلی، عدد ۱ چنانچه شرکت دارای موارد ضعف در کنترل‌های داخلی باشد و در غیر اینصورت صفر. (متغیر مستقل)

RMit: سود بر مبنای فعالیت‌های واقعی که از طریق باقیمانده حاصل از هر کدام از مدل‌های ذکر شده بدست می‌آید. (متغیر وابسته)

MarketCap: قیمت هر سهم منتشر شده شرکت در بازار (متغیر کنترل)

MktBkit: ارزش بازار حقوق صاحبان سهام به علاوه ارزش دفتری بدهی تقسیم بر ارزش دفتری دارایی‌ها (متغیر کنترل)

ROA: بازده دارایی‌ها (متغیر کنترل)

Sizeit: اندازه شرکت، که عبارت است از حاصل لگاریتم طبیعی دارایی‌های شرکت (متغیر کنترل)

LEVit: اهرم مالی شرکت، که عبارت است از حاصل تقسیم مجموع بدهی‌ها به مجموع دارایی‌ها (متغیر کنترل)

آمار توصیفی

در یک پژوهش جهت بررسی و توصیف فراوانی متغیرهای تحقیق، از روش‌های موجود در آمار توصیفی مانند جداول توزیع فراوانی، میانه، میانگین و واریانس استفاده می‌گردد. بنابراین هدف آمار توصیفی یا

descriptive محاسبه پارامترهای جامعه با استفاده از سرشماری تمامی عناصر جامعه است. در این بخش ویژگی‌های مربوط به متغیرهای تحقیق به صورت توصیفی بررسی می‌گردد. مقدار عددی میانگین و انحراف معیار متغیرها در هر ۶ سال به طور جداگانه در جدولی به دست آمد.

جدول ۱- جدول آمار توصیفی متغیرها

متغیرها	نماد	تعداد مشاهدات	مینیمم	ماکزیمم	میانگین	انحراف معیار
سود بر مبنای فعالیت‌های واقعی	RMit	450	-0/102	2/914	-0/0014	0/9668
قیمت هر سهم شرکت در بازار	MarketCapit	450	0/006	4/128	2/863	1/248
ارزش شرکت	MktBkit	450	0/490	4/202	2/848	3/451
بازده دارایی‌ها	ROAit	450	-0/197	0/545	0/131	0/111
ضعف کنترل داخلی	ICWit	450	0	9	0/90	1/386
اندازه شرکت	Sizeit	450	11/035	18/454	13/721	1/377
اهرم مالی شرکت	LEVit	450	0/0891	1/071	0/610	0/182

آزمون همبستگی^۱

در این تحقیق قبل از پرداختن به آزمون فرضیه‌ها به بررسی همبستگی بین متغیرها پرداخته می‌شود. برای بررسی همبستگی بین متغیرها از ضریب همبستگی پیرسون استفاده می‌گردد. نتایج حاصل از این بررسی در نگاره (۲) به نمایش درآمده است.

نگاره (۲): آزمون همبستگی

		RMit	Market Capit	MktBkit	ROAit	ICWit	Sizeit	LEVit
RMit	ضریب همبستگی	1						
	سطح معنی داری							
MarketCapit	ضریب همبستگی	.130	1					
	سطح معنی داری	.003						
MktBkit	ضریب همبستگی	-.045	.031	1				

¹ Correlation

		RMit	Market Capit	MktBkit	ROAit	ICWit	Sizeit t	LEVit
	سطح معنی داری	.169	.000					
ROAit	ضریب همبستگی	.073	.525	.108	1			
	سطح معنی داری	.062	.000	.011				
ICWit	ضریب همبستگی	.010	.290	-.082	.086	1		
	سطح معنی داری	.015	.000	.042	.000			
Sizeit t	ضریب همبستگی	.272	.496	.218	-.089	.061	1	
	سطح معنی داری	.000	.000	.000	.000	.113		
LEVit	ضریب همبستگی	.179	.062	.058	-.096	-.066	.038	1
	سطح معنی داری	.000	.095	.111	.000	.070	.003	

با توجه به Sig و مقادیر همبستگی نگاره (۲)، رابطه بین متغیر سود بر مبنای فعالیت‌های واقعی (RMit)، و متغیرهای قیمت هر سهم شرکت در بازار (MarketCapit)، ضعف کنترل داخلی (ICWit)، اندازه (Sizeit) و اهرم مالی شرکت (LEVit) کمتر از ۵٪ می‌باشد که نشان‌دهنده ارتباط معنی دار این متغیرها با سود بر مبنای فعالیت‌های واقعی (RMit) می‌باشد. ولی بین این متغیر وابسته و سایر متغیرها در ضریب همبستگی پیرسون ارتباط معنی داری وجود ندارد.

آزمون همبستگی جزئی^۱

در هنگام محاسبه همبستگی آثار سایر متغیرها (متغیرهای کنترل) حذف نمی‌شود و این آثار ممکن است بر رابطه دو متغیر تاثیر بگذارد. همبستگی جزئی، همبستگی میان دو متغیر با حذف اثرات سایر متغیرها (متغیرهای کنترل) است. نتایج حاصل از این بررسی در نگاره (۳) به نمایش درآمده است.

نگاره (۳): آزمون همبستگی جزئی

RMit		ضریب همبستگی	متغیر مستقل	متغیرهای کنترل
معنی داری همبستگی	Sig سطح معنی داری			
معنی دار	0/029	0/018	ICWit	MarketCapit & MktBkit & ROAi,t & SIZEit & lev

¹ Partial Correlations

با توجه به Sig و مقادیر همبستگی نگاره (۳)، با حذف اثرات متغیرهای کنترل رابطه بین متغیر سود بر مبنای فعالیت‌های واقعی (RMit)، و ضعف کنترل داخلی (ICWit) معنی دار می‌باشد.

یافته‌های پژوهش

فرضیه تحقیق به شرح زیر می‌باشد:

بین ضعف‌های کنترل داخلی و دستکاری عملکرد واقعی ارتباط وجود دارد.

نتایج بدست آمده از اجرای آزمون رگرسیون خطی چند متغیره برای بررسی ارتباط متغیرهای و ضعف کنترل داخلی (ICWit)، قیمت هر سهم شرکت در بازار (MarketCapit)، ارزش شرکت (MktBkit)، بازده دارایی‌ها (ROAi,t)، اندازه (Sizeit) و اهرم مالی شرکت (LEVit) با دستکاری عملکرد واقعی (RMit) در نگاره (۴) آورده شده است. همانطور که مشاهده می‌شود، ارتباط متغیرهای ضعف کنترل داخلی (ICWit) و دستکاری عملکرد واقعی (RMit) از طریق مدل رگرسیون خطی چند متغیره در شرکت‌های نمونه، مورد آزمون و تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفته است. رقم دوربین واتسن ۱,۸۳۵ می‌باشد که نشانگر فقدان خود همبستگی سریالی در پسماندها می‌باشد. ضریب تعیین تعدیل شده ۰,۵۲۱ می‌باشد این رقم نشان می‌دهد که حدود ۵۲٪ از تغییرات دستکاری عملکرد واقعی (RMit) (متغیر وابسته) می‌تواند توسط تغییرات در متغیر مستقل (متغیر ضعف کنترل داخلی (ICWit) و متغیرهای کنترل) توضیح داده شود و بقیه تغییرات در متغیر وابسته توسط عواملی غیر از موارد فوق توضیح داده شود که نشان دهنده ارتباطی نسبتاً قوی بین متغیرهای مستقل و وابسته می‌باشد.

نگاره (۴): نتایج تحلیل آماری برای آزمون فرضیه‌های تحقیق

روش آماری: مدل رگرسیون خطی چند متغیره شرکت‌ها و سال مورد مطالعه: ۷۵ شرکت و 6 سال					
متغیر وابسته: دستکاری عملکرد واقعی		سطح اطمینان: ۹۵٪	روش ورود متغیر: Enter		
معنی داری کل مدل Anova		دوربین واتسن	ضریب تعیین R square	ضریب تعیین تعدیل شده Adjusted R square	
F آماره	Sig				
8.744	.000	1/835	0/537	0/521	
آزمونهای هم خطی		آماره t	سطح معنی داری (P-value)	اندازه ضریب β (استاندارد شده)	متغیر
عامل تورم واریانس	تلورانس				
30۸.	1.888	.834	.405	.051	MarketCapit
.917	1.091	-1.303	.193	-.060	MktBkit
.865	1.156	5.782	.000	.274	ROAi,t
.719	1.390	5.018	.000	.262	ICWit

29۸.	1.890	-3.710	.000	.226	<i>Sizeit</i>
49۸.	1.823	.203	39۰.	.012	<i>LEVit</i>

با کنترل اثرات متغیرهای قیمت هر سهم شرکت در بازار (MarketCapit)، ارزش شرکت (MktBkit)، بازده دارایی‌ها ($ROA_{i,t}$)، اندازه شرکت (*Sizeit*) و اهرم مالی شرکت (*LEVit*) مدل به طور کلی معنی دار می‌باشد. به عبارتی دیگر sig ستون *Anova* کمتر از ۵٪ است که نشان‌دهنده معنی دار و خطی بودن کل مدل رگرسیون می‌باشد. سطح معنی‌داری (*Sig*) متغیرهای ضعف کنترل داخلی (*ICWit*)، بازده دارایی‌ها ($ROA_{i,t}$)، اندازه شرکت (*Sizeit*) و اهرم مالی شرکت (*LEVit*) کمتر از ۵٪ است که نشان‌دهنده تاثیر این متغیرها بر دستکاری عملکرد واقعی (*RMit*) می‌باشد. همچنین سطح معنی‌داری (*Sig*) سایر متغیرها بیشتر از ۵٪ می‌باشد که بیانگر عدم تاثیر این متغیرها بر دستکاری عملکرد واقعی (*RMit*) می‌باشد. رقم بتا نشان‌دهنده نوع رابطه و شیب خط رگرسیون می‌باشد برای متغیر ارزش شرکت (*MktBkit*)، رقمی منفی می‌باشد به عبارتی با افزایش متغیر یاد شده دستکاری عملکرد واقعی (*RMit*) کاهش پیدا می‌کند همچنین رقم بتا برای سایر متغیرها رقمی مثبت می‌باشد به عبارتی با افزایش متغیرهای یاد شده دستکاری عملکرد واقعی (*RMit*) افزایش پیدا می‌کند. بدین ترتیب با توجه به نتایج رگرسیون و نتایج آزمون همبستگی جزئی H_0 در فرضیه تحقیق از لحاظ ارتباط معنی‌دار بین ضعف کنترل داخلی (*ICWit*) و دستکاری عملکرد واقعی (*RMit*) شرکت تأیید می‌شود.

بحث و نتیجه گیری

کنترل‌های داخلی ضعیف، نه تنها احتمال وقوع سوء جریان، سوء استفاده و تقلب را در سازمانها بالا می‌برد بلکه بر گزارش حسابرس مستقل نیز اثر می‌گذارد و حسابرس قادر نخواهد بود در نبود توجه به نقاط ضعف موجود در سیستم کنترل‌های داخلی، گزارش مطلوبی ارائه نماید. از این رو برای اینکه هم مدیران بتوانند وظایف و مسئولیتهای خود را به نحو احسن و در جهت جلب رضایت اشخاص ذینفع در شرکت به انجام برسانند و هم حسابرسان بتوانند گزارش حسابرسی مطلوب مطابق با استانداردهای حسابرسی ارائه نمایند، سیستم‌های کنترل داخلی با توجه به ماهیت شرکت باید طرح‌ریزی و اجرا شود تا حسابرسان نیز بتوانند با اتکا بر آن وظیفه اطمینان بخشی به صورتهای مالی را با اطمینان بیشتری انجام دهند. نتایج حاصل از این تحقیق، بررسی ارتباط ضعف‌های با اهمیت کنترل داخلی و شواهدی از دستکاری عملکرد واقعی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. بالسام، جیانگ و لیو (۲۰۱۲) بر این عقیده اند که عمده ضعف‌های کنترل داخلی شرکت با انگیزه‌های صاحبان سهام به شدت محدود شده اما این ضعف‌ها بیشتر در ارتباط با انگیزه‌های مدیران است. همچنین لنارد و همکاران (۲۰۱۶) معتقدند که ارتباط مثبتی بین شرکت‌های گزارش‌کننده ضعف‌های کنترل داخلی و دستکاری فعالیت‌های واقعی وجود دارد. به علاوه چنین شرکت‌هایی که فعالیت‌های واقعی را دستکاری می‌کنند، عملکرد پایین‌تری در سالهای بعد دارند. همچنین، زمانی که شرکت‌ها ضعف‌های کنترل داخلی را گزارش می‌کنند، اقلام تعهدی اختیاری را به عنوان یک روش جایگزین برای دستکاری فعالیت‌های

واقعی مورد استفاده قرار نمی‌دهند. روی هم رفته، نتایج حاصل نشان می‌دهد که شرکت‌های دارای ضعف‌های کنترل داخلی، مستعد به دستکاری فعالیت‌های واقعی به عنوان شکلی از مدیریت سود هستند. نتایج همچنین دربردارنده نکاتی برای کیفیت حسابرسی از جمله نیاز حساب‌برسان به کسب درک بهتر چگونگی تاثیر دستکاری فعالیت‌های واقعی بر عملکرد شرکت می‌باشد.

فهرست منابع

۱. آقای، محمد، گلجاریان، محمد علی، نظری عامله، کیانوش، اسدالهی، امین، (۱۳۹۴)، "کنترل های داخلی موثر در شرکتهای سرمایه گذاری از دیدگاه حساب‌برسان مستقل"، پژوهش های تجربی حسابداری، سال پنجم، شماره ۱۷. صص ۱۲-۱.
۲. ابراهیمی، شهلا، ابراهیمی، مهرداد، (۱۳۹۱)، "مدیریت سود، انگیزه ها و راه کارها"، مطالعات حسابداری و حسابرسی، انجمن حسابداری ایران، شماره ۱، ص ۱۲۴.
۳. دستگیر، محسن، حسینی، احسان، (۱۳۹۲)، "مروری جامع بر مدیریت سود، مطالعات حسابداری و حسابرسی، انجمن حسابداری ایران، شماره ۸، صص ۱۹-۴.
۴. رسائیان، امیر، حسینی، وحید، (۱۳۸۷)، "رابطه کیفیت اقلام تعهدی و هزینه سرمایه در ایران"، بررسی های حسابداری و حسابرسی، ش ۵۳، صص ۸۲-۶۷.
۵. عباس زاده، محمد رضا، محمدی، جمال، (۱۳۹۰)، "ضرورت وجود کنترل های داخلی در بخش عمومی"، مجله حسابرس، شماره ۵۶.
6. Bhoiraj, Sanjeev, and R. Libby. (2005). "Capital market pressure, disclosure frequency included earnings/cash flow conflict, and managerial myopia", **The Accounting Review**, (80).
7. Demski, J. (2004), "Endogenous expectations", **The Accounting Review** 79: 51953
8. Francis, J., LaFond, R., Olsson, P., Schipper, K. (2005). "The marketpricing of accruals quality", **the journal of Accounting and economics**, vol. 39, 295-327.
9. Jeong-Bon Kima, Byungcherl Charlie Sohn, (2013). "Real Earnings Management and Cost of Capital", **Department of Accountancy**, City University of Hong Kong, Hong Kong, China.
10. Lenard, m.l., Petruska, k.a., alam, p., Yu, B., (2016), "Internal control weaknesses and evidence of real activities manipulation". **Advances in Accounting, incorporating Advances in International Accounting**, 33, pp.47-58.
11. Roychowdhury, S. (2006). "Earnings management through real activities manipulation". **Journal of Accounting and Economics** 42 (December): -335370.
12. Thomas, J. K., and H. Zhang. (2002). "Inventory changes and future returns". **Review of Accounting Studies** 7:187,9-163.



Investigating the Relationship between Weaknesses with the Importance of Internal Control and Evidence of Actual Performance Manipulation in Companies Listed in the Tehran Stock Exchange

Ali Bayat (PhD)¹©

Assistant Professor of Accounting, Islamic Azad University, Zanjan Branch, Iran

Jahangir Jodeiri²

PhD Candidate of Accounting, Islamic Azad University, Zanjan Branch, Iran

(Received: 3 June 2018; Accepted: 14 November 2018)

Inadequate internal controls not only increase the likelihood of misconduct, abuse and fraud in organizations, but also affect the independent auditor's report, and the auditor will not be able, in the absence of attention to the weaknesses in the internal control system, to provide a good report. Therefore, in order for managers to fulfill their duties and responsibilities to the satisfaction of the stakeholders in the company, and the auditors will be able to present the optimal audit report in accordance with audit standards, internal control systems will be based on the nature of the company should be designed and implemented so that auditors can rely more on the reliability of financial statements. This research investigates the relationship between weaknesses with the importance of internal control and evidence of actual performance manipulation in companies listed in the Tehran Stock Exchange and includes a major hypothesis that is a multivariate linear regression analysis in combination (year-corporation), used. The research hypothesis was tested using data collected from the statistical sample of the study, which included 75 active companies in the Tehran Stock Exchange during the period of 1394-1394. Based on the test, the results show a significant correlation of weaknesses with the importance of internal control by manipulating real performance.

Keywords: Real Performance Manipulation, Weaknesses in Internal Control and Auditing.

¹ ali.bayat22@yahoo.com © (Corresponding Author)

² jjodeiri@gmail.com